

اشکال مرحوم اصفهانی بر اشکال اول مرحوم آخوند:

چنانکه خواندیم مرحوم آخوند معتقد بودند که اگر قائل به وجوب مقدمه شدید، ذات مقدمه واجب است و نه عنوان مقدمه و لذا این بحث از صغریات نهی در عبادات می باشد و نه از صغریات اجتماع امر و نهی. مرحوم اصفهانی بر همین مطلب اشکال کرده و می نویسند:

«قد عرفت سابقاً أنّ الحیثیات التعلیلیة راجعة إلى التقييدية فی أمثال المقام، فالواجب بحکم الملازمة العقلية هو الشيء لا بذاته، بل بما هو توصل إلى واجب آخر. و لذا اعتبرنا سابقاً قصد التوصل فی وقوعه علی صفة الوجوب و مصداقاً للواجب، و لا ینافی هذا کون الواجب المقدمی هو المقدمة بالحمل الشائع، لا عنوانها الصادق علی نفسها بالحمل الأولی؛ إذ المقصود وجوب حقیقة التوصل بما هی، لا ذات الوضوء بما هو حركة خاصة، فالمقدمة حقیقة هو الوضوء فقط، إلا أن الوضوء - من حیث إنه بالحمل الشائع مقدمة - واجب، و هذه الحیثیة ملحوظة فی الموضوع عقلاً.»^۱

توضیح:

۱. سابقاً گفتیم که هر جا حاکم عقل باشد، حیثیت های تعلیلیه به حیثیت تقييدیه بر می گردد.
۲. و لذا آنچه واجب است ذات مقدمه (مثلاً ذات وضو) نیست بلکه «وضوی مقید به توصل به نماز» است.
۳. و لذا به مبنای شیخ انصاری گرایش یافتیم و گفتیم باید مقدمه به قصد توصل آورده شود.
۴. و این منافات ندارد با اینکه بگوئیم آنچه واجب است، «مقدمه به حمل شایع» است.
۵. چراکه آنچه واجب است مصادیق عنوان «توصل» است و نه مصادیق «وضو».

ما می گوئیم:

ما حصل فرمایش مرحوم اصفهانی آن است که:

۱. از حیث ثبوتی ۵ گونه می توان، متعلق وجوب را تصویر کرد:

الف) آنچه به حمل اولی مقدمه است

ب) آنچه به حمل شایع مقدمه است در حالیکه وجوب روی عنوان مقدمه رفته است.

۱. نهاية الدراية فی شرح الكفاية، ج ۲، ص ۱۶۳.



ج) آنچه به حمل شایع مقدمه است در حالیکه وجوب روی عنوان توصل رفته است.

د) آنچه به حمل شایع مقدمه است

در حالیکه وجوب روی عنوان های کلی دیگری رفته که آن عناوین مصادیق مقدمه هستند. (به حمل شایع مقدمه هستند)

ه) آنچه به حمل شایع مقدمه در حالیکه وجوب مستقیماً روی مصداق رفته است.

ظاهراً قول اول، قائل ندارد و فرض هم ندارد قول دوم هم ظاهر قائل ندارد اما فرق قول سوم و چهارم آن است که در قول سوم عنوانی که حکم روی آن رفته، عنوان توصل است و باید مصادیق آن را ایجاد کرد. در حالیکه در قول چهارم عنوانی که حکم روی آن رفته، مصداق توصل و مصداق مقدمه است (مثلاً آنچه واجب است، «سیر الی الحج» است که مصداق توصل و مقدمه است) پس در قول سوم باید مصداق توصل را ایجاد کنیم، در حالیکه در قول چهارم باید «مصداق مصداق» را ایجاد کنیم.

اما در قول پنجم، حکم اصلاً روی عنوان نرفته است.

۲. قول پنجم فرمایش مرحوم آخوند است. (مگر اینکه بگوئیم ایشان هم قائل به قول چهارم است ولی به لوازم آن ملتزم نبوده است)

قول چهارم فرمایش مرحوم نائینی است.

و قول سوم فرمایش مرحوم اصفهانی است.

مرحوم اصفهانی به سبب اینکه می گوید واجب است «عمل خارجی مقیداً به توصل» است و حیثیت توصل داخل در موضوع و عنوان است، لذا آنچه امر روی آن رفته است «عنوان توصل» است. به همین جهت می توانیم بگوئیم رابطه این بحث با عناوین محرّمات، از نوع اجتماع امر و نهی است چراکه در حقیقت دو عنوان با هم مواجه می شوند.

